چهره‌ها

سامره: قطر نمی‌روم

«به الشباب هم همانطوری گل می‌زنم که به الشارجه زدم.» سامره وقتی می‌گوید «گل می‌زنم» مطمئن باشید موفق می‌شود چون این عادت دیرینه «علی سی‌ثانیه» است. جدال ایرانی‌ها را باز هم سامره برد و این بار شکست‌خورده‌ها، کوچولوهای ایرانی الشباب بودند. «چند هفته پیش با خود شما مصاحبه کردم و گفتم به الشباب گل می‌زنم، یادتان هست؟ تیم ما خیلی خوب بازی کرد. الشباب شانس آورد زیادتر گل نخورد.» اما علی سی‌ثانیه تا به امروز آقای گلی را از دست داده و اندرسون با پاس‌های نکونام جای سامره را در صدر گلزنان گرفته است. «همش تقصیر جواد است، با من رفیق است، ولی پاس‌هایش را به اندرسون می‌دهد. اما مهم نیست بازی بعدی طوری گل می‌زنم که دیگر اندرسون و بقیه به گردم هم نرسند.» سامره اگر آقای گلی را دوست دارد باید این هفته به صدرنشین لیگ امارات گل بزند. سامره اکنون ۱۴ گله است و اندرسون با ۱۵ گل در صدر گلزنان قرار دارد. البته در این باره خبر رسیده است پس از درخشش سامره در لیگ امارات، السد قطر به دنبال استخدام او است. «صحبت‌هایی شده اما تا پایان فصل با آنها مذاکره نمی‌کنم. در ضمن شرایطم در امارات خوب است و زیاد تمایلی برای رفتن به قطر ندارم.»

آرش برهانی در النصر

چیزی نمانده که پای یک ایرانی دیگر هم به امارات باز شود. مسئولان باشگاه النصر دو سه روزی است که در تهران هستند و توانسته‌اند همتایان خود در باشگاه پاس را راضی کنند که آرش برهانی راهی امارات شود. برهانی که قرار بود اوایل فصل به باشگاه‌های امارات بپیوندد با حکم دنیزلی در پاس ماند و حالا هم باید منتظر رای هیات مدیره درباره انتقالش بماند. البته شنیده می‌شود که احتمال رفتن او حدود ۹۰ درصد است؛ یعنی خداحافظ پاس.

گیلا می‌رود

آگوستین گیلاثوری چپ پای استقلال به احتمال فراوان از این تیم خواهد رفت. گیلا که فصل قبل را بهتر به پایان رسانده بود فقط دو سه بازی دیگر لباس آبی را بر تن خواهد داشت و به احتمال فراوان بعد از جام حذفی به گرجستان باز خواهد گشت. هواداران تیم خاطراتی از درگیری‌های او با نیکبخت و قلعه‌نویی را به خاطر دارند. به اینها بازی بد را که اضافه کنید مساوی می‌شود با خداحافظی.

هامبورگ و سیاوش

«سیاوش در هامبورگ». بله، ما هم تعجب کردیم، اما خود سیاوش معتقد است که هامبورگی‌ها علاقه‌مند به استخدام او شده‌اند. هامبورگی‌ها خاطره خوبی از بازیکنان ایرانی دارند اما این موضوع به تنهایی نمی‌تواند عاملی برای جذب اکبرپور باشد. اکبرپور با استقلال در آستانه قهرمانی است و ممکن است شانس حضور در جام جهانی را هم داشته باشد. شاید هم با احتساب این دو امتیاز فیل سیاوش یاد هامبورگ کرده!

بازیکن ملی

صفحه اول روزنامه استقلال جوان. یک آگهی دو کادر از طرف باشگاه فرهنگی- ورزشی استقلال ۹۰. در این آگهی آمده است که استقلال ۹۰ در رده‌های سنی نونهالان، نوجوانان، جوانان و امید عضو می‌پذیرد. نکته جالب این که آنها به جز درج نام عباس سرخاب بازیکن سابق استقلال به عنوان مربی چاپ اسم «قاسم سیانکی» بازیکن سابق استقلال در دهه ۱۳۷۰ به عنوان بازیکن ملی است. این را نوشتیم برای اینکه اگر شما از سوابق ملی آقای سیانکی اطلاعی دارید آن را به مقصد همین ستون پست بفرمایید و مژدگانی بگیرید!

ادامه دقیقه صفر

برای باشگاه‌های ایران، آمدن مدیرانی که به برنامه‌ریزی و توسعه و کار اقتصادی می‌اندیشند، ضروری است. فقط در این صورت است که پس از سال‌ها می‌توانیم حرفه‌ای شدن تمام‌عیار باشگاه‌های ایرانی را به نظاره بنشینیم. در تمام این سال‌ها که برای خروج از فوتبال علی اصغری به ورود مربی خارجی می‌اندیشیدیم یک نکته را فراموش کرده بودیم و آن ابزار کار مربی خارجی بود. ابزاری که فقط از دل یک باشگاه با سازوکار مناسب و امکانات مدرن بیرون می‌آید. برای حرفه‌ای شدن به توسعه نیاز داشتیم، اما فکر می‌کردیم با آوردن مربیان خارجی می‌توانیم میان بر بزنیم. میان بر زدیم. حالا هم در جام جهانی هستیم، اما وضعیت باشگاه‌های ایرانی همانی است که بود. در این شرایط انگار باید به جای مربی خارجی، مدیر خارجی بیاوریم. مدیری که لااقل به مدیران ایرانی برنامه‌ریزی و ساختارسازی را بیاموزد. کسی که بیاید و بگوید در فوتبال اروپا و آمریکا و ژاپن و کره ـ و این روزها برزیل و مکزیک و چین ـ چگونه برای لحظه به لحظه فعالیت یک باشگاه برنامه می‌ریزند و به چه شکلی تمام امکانات را برای کار کردن یک مربی فراهم می‌آورند. شاید در این روزها فقط یک مدیر خارجی باشد که بتواند چشم‌انداز روشنی را برای باشگاه‌های ایرانی تصویر کند، وگرنه با این رفت‌وآمدها شرایط باشگاه‌های ایرانی همانی می‌شود که بود. مدیران باشگاه‌های ایرانی پیش از برکناری مربیانشان بهتر است به پاسخ این سئوال بیندیشند که آیا آنها تمام ابزار لازم را برای فعالیت کادر رهبری تیمشان فراهم کرده‌اند؟ چنین است که می‌گوییم برای نجات باشگاه‌های ایرانی باید به اولویت توسعه بر نتیجه اندیشید.

خط و نشان رئیس سازمان

علی‌آبادی: اخراجی‌ها خودشان می‌دانند

اجازه نمی‌دهم پول بیت‌المال در ورزش صرف هزینه‌های غیرضروری شود. حلقه محاصره محمدرضا طالقانی هر روز تنگ‌تر می‌شود. رئیس فدراسیون کشتی اگر تا دیروز دلخوش به حمایت‌های رئیس سازمان تربیت بدنی بود حالا این پشتیبانی هم رنگ می‌بازد. دیروز علی‌آبادی در سخنرانی‌اش در سازمان به بحث هزینه‌های غیرضروری در ورزش اشاراتی داشته که به نظر می‌آید روی سخن او با فدراسیون کشتی با بدهی میلیاردی معروفش است.

فدراسیونی که بیش از همه به خاطر برگزاری تورنمنت‌های متنوع و اعزام تیم‌ها بدهکاری بالا آورده و نمی‌تواند این چاه ویل را پر کند. علی‌آبادی گفت: مدیران باید براساس برنامه و امکانات مالی خود کار کرده و تعهد ایجاد کنند؛ نه اینکه فراتر از امکانات مالی خود تعهد ایجاد کرده و بعد همه را به سازمان محول کنند. بنابراین قرار نیست هیچ مدیری بیش از آنچه به وی ابلاغ

می‌شود، تعهد مالی ایجاد کند. به گفته رئیس سازمان تربیت بدنی که با خونسردی شدید دل روسای فدراسیون را می‌لرزاند انضباط مالی و پرهیز از اسراف و هزینه‌های غیرمرتبط با وظیفه ذاتی فدراسیون‌ها از مواردی است که روسای فدراسیون‌ها باید به دقت به آن توجه کنند. سازمان نیز بر عملکرد مالی همه بخش‌های ورزش و از جمله فدراسیون‌ها نظارت دقیق خواهد کرد و اجازه نمی‌دهم پول بیت‌المال در ورزش صرف هزینه‌های غیرضروری شود.

وی در این خصوص تاکید کرد: «هیچ کس حق ندارد پول مردم و ورزش را در جایی غیر از ورزش هزینه کند. در شش ماهه دوم سال گذشته هم با نظارت دقیق بر هزینه‌ها توانستیم مبلغی را صرفه‌جویی کنیم که در اختیار هیات‌های ورزشی شهرستان‌ها قرار گرفت. البته بر هزینه شدن همین مبلغ هم در هیات‌ها به دقت نظارت خواهیم کرد. قطعاً یکی از موارد مهم در ارزیابی عملکرد روسای فدراسیون‌ها و مدیران کل تربیت بدنی استان‌ها، مسائل مالی و انضباط مالی آنان خواهد بود.»

او در پاسخ به سئوالی درباره اینکه در سال بازی‌های آسیایی فدراسیون‌ها بلاتکلیف‌اند و چرا زودتر درباره عزل و نصب روسا تصمیم نمی‌گیرید، گفت: کسانی که قرار است بروند خودشان می‌دانند! چون ما به آنها که موفق‌اند و کار می‌کنند کاری نداریم. هدف ما فعال شدن فدراسیون‌ها در سراسر کشور و نه فقط در تهران است. اینکه فدراسیون‌ها با فعالیت‌های ریشه‌ای دقیق و گسترده خود در سراسر کشور، همه جوانان مستعد ایران‌زمین را شناسایی کرده و در عین حال برای کارهای خود برنامه مدون داشته باشند.

باید حرکتی را آغاز کنیم که ورزش ایران را از جایگاه فعلی رشد دهیم. قطعاً جایگاه دهم آسیا برای ایران نامطلوب است و باید با تلاش گسترده روسای فدراسیون‌ها، سطح و جایگاه ورزش رشد کند.

بدشانسی دست از سر زندی برنمی‌دارد

به پاخیز فریدون

لاترن به تساوی برسد، پیروز شود یا ببازد باز فریدون را راهی به ترکیب این تیم نیست. نیمکت‌نشینی محض فریدون زندی البته این حسن را دارد که او (اگر البته مجدداً با تراکتور تصادف نکند) به هیچ‌وجه تا جام‌جهانی دچار مصدومیت نخواهد شد. نگرانی‌هایی که پیرامون هاشمیان و کریمی وجود دارد و مهدوی‌کیا را نیز هر لحظه در رقابت حالا دیگر تنگاتنگ هامبورگ با باین تهدید می‌کند، درباره فریدون اصلاً موجب تشویش نیست. اما سئوال این جاست: این «زندی سالم» که طی چند ماه اخیر فقط دقایقی برای تیمش بازی کرده و چند هفته است که حتی چند ثانیه هم به‌ندرت بازی به او رسیده، تا چه میزان می‌تواند در جام‌جهانی برای تیم ملی ایران تاثیرگذار باشد؟ در آن روزهای پرالتهاب که آمدن یا نیامدن فریدون زندی سرفصل اخبار فوتبال ایران بود، تصور عموم بر این بود که یورگن کلینزمن هم خواستار زندی است و فریدون قرار است از بین تیم‌های ملی فوتبال ایران و آلمان یکی را انتخاب کند، به همین دلیل زمانی که رسماً اعلام شد زندی سرزمین پدری‌اش را برگزیده، شادی زایدالوصفی علاقه‌مندان فوتبال را دربر گرفت. تصمیم فریدون «شجاعانه» تعبیر شد و همگان خشنود بودند از این که برانکو توانسته ضرب‌شستی به کلینزمن نشان دهد. اما این روزها واضح است که اگر زندی

تابعیت ایرانی را نمی‌پذیرفت، اینک حتی برای قرار گرفتن در جمع صد بازیکن برتر فوتبال آلمان نیز کار دشواری را در پیش داشت. فریدون البته بازی‌های قابل قبولی برای تیم ملی انجام داده. بازیکنی است محجوب و بی‌حاشیه که قبل از دروازه رقبا، قلب هواداران پرشمار فوتبال ایران را فتح کرده و نقاط ضعفی هم اگر داشته آنچنان مشهودتر از سایر خطوط و پست‌ها نبوده. اما واقعیت این است که پس از آن همه جار و جنجال هدفمند نشریات زرد درخصوص دورگه بودن فریدون زندی و دردسرهای فراوانی که فدراسیون فوتبال درخصوص جذب زندی متحمل شد، به همان نسبت سطح انتظارات نیز بالا رفت و توقع از بازیکنی که فوتبال را با آموزه‌های مدرن و به‌صورتی کاملاً علمی فراگرفته این بود که نقشی محوری را در میانه میدان برعهده بگیرد. بگذریم از این که زندی تبحر قابل ستایشی در نواختن ضربات ایستگاهی دارد اما سال‌ها است که مالکیت این فرصت در تیم ملی به علی دایی واگذار شده و زندی نیز مانند ایمان مبعلی نمی‌تواند حساب ویژه‌ای روی این توانایی خود باز کند. اما این هم دلیلی برای محتوم بودن تعویض شدن زندی از دقیقه ۶۰ در ترکیب تیم ملی نیست. بازی نکردن او در لاترن آن هم در آستانه جام‌جهانی به هیچ وجه مطلوب فوتبال ایران نیست. وقتی فریدون حتی یک دقیقه هم بازی نمی‌کند چه تضمینی هست که مثلاً آماده‌تر از ستاره پرفروغ ذوب‌آهن در لیگ امسال یعنی مهدی رجب‌زاده باشد؟ یا حتی مسعود شجاعی و عادل کلاه‌کج که در نیم‌فصل دوم لیگ برتر در سایپا و فولاد درخششی قابل قبول داشتند. هدف از نگارش این مطلب البته پیدا کردن جایگزین برای فریدون زندی نیست. او بازیکن فیکس تیم ملی فوتبال کشورمان است و ماجرای ملی‌پوش شدنش که ملتی را درگیر کرده بود نیز فراموش نشدنی است. همان روزها که مصاحبه‌های فراوانی از پدرش در روزنامه‌ها به چاپ می‌رسید. اینک جام‌جهانی بهترین و تکرارنشدنی‌ترین موقعیت برای ادای دین فریدون زندی به میلیون‌ها هوادار ایرانی‌اش در سراسر جهان خواهد بود. او باید بهترین بازی‌های دوران فوتبالش را ارائه کند.

نکونام راضی از سوبل

جواد نکونام از زندگی حسابی راضی است. در شارجه پشت‌سر هم گل می‌زند. اوج گل‌هایش در مسابقه با الوحده باشگاه قبلی‌اش بود که با دو گل نسخه این تیم را در جام حذفی پیچید. جدا از شرایط باشگاه از شهر هم راضی است: «ابوظبی که جا نبود شهر مرده‌ها بود در آنجا کسی فوتبال نمی‌فهمید. عوضش اینجا همه چیز روبه‌راه است و از الان منتظر شروع جام جهانی هستم.» همین که در شهر و باشگاه جدید همه چیز وفق مرادش است، کافی به نظر می‌رسد. مهم هم نیست با این باشگاه آخر فصل چه رتبه‌ای بیاورند. این در حالی است که الوحده‌ای‌ها بدون او الان در صدر جدول هستند. «چه فایده‌ای دارد که تیمی که برایش بازی می‌کنم صدرنشین امارات باشد یا نه. آنجا خیلی تحت فشار بودم. مدیرانش احساسی تصمیم می‌گرفتند البته خیلی هم پول خرج می‌کردند. بودجه آنها برای قهرمان شدن در یک فصل به اندازه ده تا قهرمانی باشگاه‌های ایران در آسیا کافی است.»

یکی از دلایل موفقیت جواد در شارجه این است که زیر نظر راینر سوبل سرمربی سابق پرسپولیس بازی می‌کند. کسی که کاملاً با او و توانایی‌هایش آشنا است. برخلاف ژان ژودار فرانسوی که در بدو ورود به الوحده عذر ستاره ایرانی را خواست. شاید نکونام با بازی‌های خوبش بتواند خاطرات تلخ مربی آلمانی را از فوتبال ایران پاک کند. «سوبل من را خیلی خوب می‌شناسد. خیلی خوب هم از من بازی می‌گیرد. همین مسئله روی خوب بازی کردن من در شارجه تاثیر دارد.»

جواد مثل این بازی آخر با النصر که هم گل زد و هم پاس گل داد به حدی در بازی‌ها خوب بوده که هرتابرلین از الان دنبال خریدنش است. با رفتن جواد جمع ایرانی‌های بوندس لیگا جمع‌تر از همیشه می‌شود. حالا این اتفاق پیش از جام جهانی می‌افتد یا بعد از آن روشن نیست. «مسئولان هرتا در بازی با الوحده آمده بودند امارات و بازی مرا دیدند. اصرار هم داشتند تا پیش از جام جهانی قرارداد ببندم. قرار هم بر این شد زود جواب بدهم ولی هنوز که تصمیمی نگرفته‌ام. البته اگر در جام

جهانی بازی کنم که بهتر از هرتا هم می‌شود رفت، اما اگر بد باشم، همین هم از دستم می‌رود. امیدوارم تا آن روز در اوج باشم.» نکونام اما در روزهایی که لژیونرها یکی یکی ناامیدمان می‌کنند یکی از دلگرمی‌های ما برای جام جهانی است. تا شروع آن بازی‌ها البته ما دو سه بازی خیلی مهم داریم که می‌تواند نشان دهد نکونام تا آن روز در فرم مطلوب هست یا نه. جواد در مورد این مسابقات می‌گوید: «کرواسی تیم خیلی خوبی است. آنها آرژانتین را برده‌اند. با برزیل هم مساوی کرده‌اند. در مورد بوسنی هم باید گفت اگر با همه بازیکنانش بیاید، بازی خیلی خوبی می‌شود.»

همه به سوی استقلال رفته‌اند

تنهایی دونده استقامت

دو سال قبل وقتی پاس و استقلال در هفته پایانی لیگ برتر با شرایطی مشابه امسال رو در روی آخرین حریفانشان می‌ایستادند به غیر از برتری امتیازی پاس که قوت قلبی برای چنگ انداختن به جام قهرمانی به شمار می‌رفت، سربازان سبزپوش از امتیاز دیگری نیز برخوردار بودند که تا پای بازی نهایی با آنها همراه بود. آن روزها تفکر غالب این بود که راه برون‌رفت از معضلات فعلی فوتبال ایران شکسته شدن بنیان دو قطبی و تقسیم شدن قهرمانی بین تیم‌های شایسته دیگر است. دیدگاهی که باعث شد بسیاری از کارشناسان و ارباب جراید گرایش آشکاری به پاس داشته باشند، آنچنان که در فصل قبل سپاهان (البته با درجه کمتر) مورد حمایت بعضی رسانه‌ها قرار بگیرد. پاس البته با یک گام بیشتر و راه‌اندازی ارگان رسانه‌ای خود نیز به تقویت این دیدگاه کمک کرد تا جایی که در روز مواجهه با استقلال اهواز بسیاری از رسانه‌ها حضور در ورزشگاه دستگردی را به تماشای بازی استقلال و پگاه گیلان ترجیح دادند و در نهایت شریک شادمانی پاس در هنگام فتح جام شدند.

اما این روزها اوضاع کاملاً فرق کرده. چند هفته‌ای است که رسانه‌های مکتوب و تصویری با حمایت همه‌جانبه از استقلال، علاقه خود به قهرمانی استقلال را نشان می‌دهند. پاس، فولاد، سپاهان و صبا باتری قهرمانان یکی دو سال اخیر توفیقی در جام باشگاه‌های آسیا نداشته‌اند و موفقیت تیم‌های باشگاهی ایران در پهنه آسیا زودتر از حد معمول پایان می‌پذیرد و به‌نظر می‌آید که هواداران فوتبال دلشان برای هجوم به ورزشگاه آزادی و فتح جام‌های آسیایی تنگ شده است.

حال در چنین شرایط حساسی، پاس که در یکی دو سال اخیر تلاش بسیاری برای بازپس‌گیری قهرمانی داشته و هزینه گزافی را هم متحمل شده در روز سرنوشت پشت خود را خالی از حامیانی می‌بیند که دو فصل قبل سینه‌شان را چاک می‌دادند. بسیاری معتقدند که چند اشتباه در برخورد با رسانه‌ها، پاس را در چنین تنگنایی قرار داده است و جمع شدن قوای جدید برای حمایت روانی هم دور از ذهن می‌نماید. پاس تنهاتر از همیشه باید به صباشهر برود، آن هم در برابر تیمی که مثل خود پاس از حمایت تماشاگران نه‌چندان متعصب بهره می‌برد. تماشاگرانی که بیشتر آنها حب تیم دیگری به غیر از صباباتری را هم در دل دارند و ممکن است روز جمعه تعداد طرفداران مخفی آبی بیش از همه باشد.

جدول شماره ۵۷۷

فرهنگ امامی
Farhang_Emami@yahoo.com

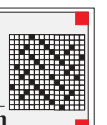

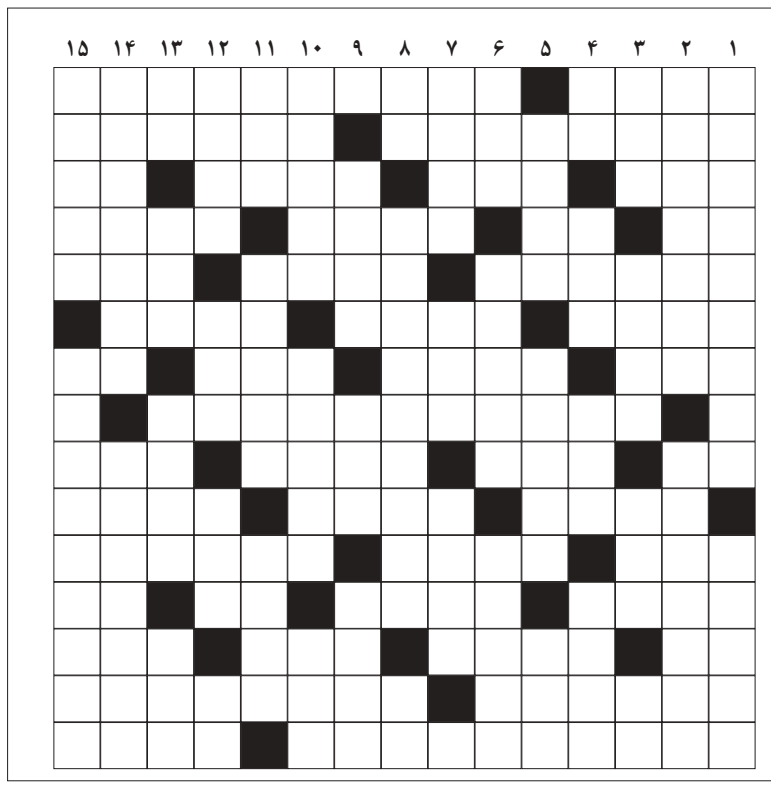

افقی: ۱- نام یکی از نرم‌افزارهای مهم طراحی رایانه‌ای- منهدم‌کردن و محو نمودن. ۲- دستگاه تبدیل امواج صوتی به جریان الکتریکی- ماده اولیه شکلات. ۳- الفت و علاقه- واژه خطاب مردان- نوعی بیسکویت- عزیز عرب. ۴- قطعه و پاره- نقش سینمایی- برگزیده و خالص از هر چیز- کلمه تشکر فرانسوی. ۵- سازمان بین‌المللی هواپیمایی کشوری- یکی از دو طایفه بزرگ ترکمن- شیوه و اسلوب. ۶- خانه جانور- مقابل رفتن- خواب و خیال. ۷- غرور و خودبینی- خط در این قاره پدید آمده است- نوعی نی میان‌تهی- بچه آوردن. ۸- نام دیگر دستگاه طیف‌سنج- ۹- ناشنوا- نغمه و آهنگ- نام دلقک معروف دربار ناصرالدین‌شاه- بلند و بالغ. ۱۰- کاری و کوشا - این خوردنی هر چند زمستانی است اما در تابستان نیز برخی می‌خوردند- پاندول. ۱۱- ارسال بی‌سر و ته- سیاهرگ- بازیکن ژاپنی فعال در بوندس لیگا. ۱۲- آبشاری در ونزوئلا- نحوه چیدن بازیکنان در زمین بازی را گویند- مخترع تلفن- برگ برنده. ۱۳- روی و رخساره- ناحیه و سرزمین- رشته‌کوه آمریکای جنوبی- پدر ترک‌زبان. ۱۴- ظلمت و سیاهی- دریایی از متفرعات مدیترانه. ۱۵- کرم انگلی قلابدار از رده لوله‌سانان که در روده کوچک انسان آسیب‌های گوناگونی را سبب می‌شود- ظرفی در آشپزخانه.

عمودی: ۱- نقاش برجسته ایرانی و خالق تابلوی تالار آئینه- امتداد و کشیدگی. ۲- مرکز کشور لائوس- شهری در استان کرمان با پسته‌های معروف. ۳- سینمای مشهور آبادان- کشور آفریقایی- عضو گرانقیمت و قاچاق فیل- صریح‌اللهجه. ۴- طایفه ایرانی- روش و طریق- مجلس نمایندگان آمریکا- نام چند تن از شاهان فرانسه. ۵- حکمران و فرماندار- خدای شعر و هنر یونانیان باستان- خوردن. ۶- کرانه آسمان- عنوان کتابی از ماکسیم گورکی- همکار تلویزیون. ۷- نیستی و فنا- جسم شخص مرده- جزیره مهم و استراتژیک ایران در خلیج فارس. ۸- ضمیر اول شخص- آگاهی دادن و هوشیار نمودن- علامت جمع. ۹- پناهگاه- آماس و برآمدگی- سحر و شعبده. ۱۰- شهری در کشور آفریقایی سودان- فراموشی- فاقد زبری. ۱۱- کرشمه و ادا- انباشتگی- جاودان و همیشگی. ۱۲- لال و گنگ- به‌هم ریخته و پخش شده- کال به‌هم ریخته- ریشه و پایه. ۱۳- مفعول بی‌واسطه- سنگ انداختن- ترس و بیم- آینده نزدیک. ۱۴- آنزیمی که نشاسته را تبدیل به مالتوز می‌کند- مرکز دپارتمان لوار در فرانسه. ۱۵- مایوس- شهر مهم ژاپن در جزیره هوندو.

حل جدول ـ ۵۷۶

گفت‌وگو

میثاقیان: نوکر آری‌هان هم هستم

علی خماند

ظاهراً هیچ چیز نمی‌تواند اکبر میثاقیان و ابومسلم مشهد را از هم جدا کند. میثاقیان در ابتدای فصل تا مرز اخراج پیش رفت، اما تیم جمع و جور شد و حتی بالاتر از نیمه جدول ایستاد.

...

■دو نیم‌فصل کاملاً عجیب و غریب را پشت‌سر گذاشتید. نیم فصل اول تا انتهای جدول رفتید و الان مدعی جام حذفی هستید.

در نیم‌فصل دوم یک هفته هم ناراحتی نکشیدم و مطمئن هستم با قهرمانی جام حذفی فصل را تمام می‌کنیم.

■چرا نتوانستید در لیگ نتیجه بگیرید؟

سال قبل آخر تیمی که کارش را تمام کرد ما بودیم، یادتان هست که تا فینال جام حذفی رفتیم. از همه تیم‌ها بیشتر بازی کردیم. بعد از جام حذفی در باشگاه اتفاقاتی افتاد و تیم به ایران‌خودرو واگذار شد. آن روزها شرایط‌مان مشخص نبود.

در همین تغییر و تحولات سه بازیکن بی‌نظیر خود را از دست دادیم. جباری، فضلی و کوشکی بازیکنان کمی برای ما نبودند. در خرید بازیکن هم وقت نداشتیم. وقت بدنسازی هم نداشتیم. بس است یا باز هم بگویم.

■دارم می‌نویسم.

بچه‌ها با تاکتیک ما هماهنگ نبودند. اما جای شکرش باقی بود که وحدت‌مان را از دست ندادیم و راه افتادیم.

راستی یادم رفت. اول فصل در چهار بازی چهار پنالتی از دست دادیم!

■چطور توانستید ابومسلم را از بحران خارج کنید؟

یکی از دلایلش این بود که تلفن همراهم را خاموش کردم. کمتر حرف زدم تا نروم توی حاشیه. برایم سخت بود که مصاحبه نکنم اما آرامش می‌خواستم. باید با بچه‌ها رفیق می‌شدم و این کار زمان می‌خواست. همه باخت‌ها را خودم گردن گرفتم. گل و پنالتی خراب می‌کردیم، می‌گفتم من مقصر هستم. نباید همدلی را از دست می‌دادیم. فاکتور بدشانسی هم کمتر شد تا شانس در

خانه ما را هم بزند. به هر حال ما تیم شهر آقا امام رضا(ع) هستیم.

■قبول دارید کمتر مدیری تحمل آقای ملاحی را داشت!

من مدیریت باشگاه را می‌شناختم و خیالم راحت بود، به خاطر همین در ابومسلم ماندم وگرنه می‌رفتم کرمان و پول کلان می‌گرفتم.

■رفتن جباری چقدر در افت شما تاثیر گذاشت؟

جباری سوپراستار است. استقلالی‌ها قهرمانی خود را مدیون او هستند. بروید ببینید چند تا گل حساس و چند تا پاس گل داده. اگر ما امسال جباری، فضلی و کوشکی را نگه می‌داشتیم قهرمان می‌شدیم.

■اینها را که فصل قبل هم داشتید، چرا آن سال قهرمان نشدید؟

تا فینال جام حذفی رفتیم اما بدشانس بودیم.

■چرا جباری، فضلی و... را نگه نداشتید؟

نمی‌توانیم، ما پول نداریم.

■مگر ایران‌خودرو به شما پول نمی‌دهد؟

چرا ولی قرارداد واگذاری دیر بسته شد و آنها رفته بودند. ولی ایران‌خودرو واقعاً در این فصل برای ما سنگ‌تمام گذاشت.

■جای جباری را چطور پر کردید؟

با مجید نورمحمدی بازیکن ذخیره شموشک بودم. خودم او را به ابومسلم آوردم.

■آندو چقدر به شما کمک کرد؟

این بچه خیلی قوی است. همین جا می‌گویم آندو راحت می‌تواند در یکی از تیم‌های مطرح بوندس‌لیگا بازی کند.

■اما سقف آندو در ابومسلم پر شده.

این را خودش می‌داند و باشگاه ولی فراموش نکنید تیموریان در ابومسلم شد آندو و ما آندو را کردیم آندو، در تهران کی تیموریان را می‌شناخت؟

■حسین بادامکی هم مهره کلیدی شما است که می‌خواهد برود. جایش را چطور پر می‌کنید؟

بادامکی فوق‌العاده است و پر کردن جای او خیلی سخت است.

■سال بعد باز هم نروید ته جدول.

بگذارید این سال تمام شود بعد غصه سال بعد را بخورم.

■بازیکن جدیدی دارید که از آستین بیرون بیاورید؟

زیاد، ولی نمی‌گویم چون بگویم همین الان می‌برنش.

■از این فصل راضی بودید؟

. . واقعاً شاهکار کردیم. بضاعتمان همین بود.

■هنوز برای جام حذفی شانس دارید؟

این جام مال ما است. کسی برایش نقشه نکشد. ما بلدیم چطور در جام حذفی بازی کنیم.

■یعنی پرسپولیس را می‌برید؟

با کسب اجازه از تماشاگران پرسپولیس بله! بیشتر می‌دویم و می‌بریم.

■آری هان هم گفته جام حذفی را می‌خواهیم.

نوکر مربی خارجی پرسپولیس هم هستم. ولی این فصل زود است جام را ببرد. فعلاً با جو فوتبال ایران آشنا شود، فصل بعد فرصت زیاد است تا جام را ببرد.